دوفصلنامه الهیات هنر | علمی-پژوهشی
سال دوازدهم، شماره بیست و پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۳
شاپا: ۱۲۲۹-۲۳۸۳ | ص ۱۸۸-۱۶۵

نگاهی به ارجاعات دینی در سینمای آندری زویا گینتسف (مطالعه موردی فیلم لویاتان)[۱]

مهتاب صداقت[۲]؛ مالک حسینی[۳]؛ بابک عباسی[۴]

چکیده

زویا گینتسف شخصیت برجسته در دنیای سینمای روسیه معاصر، با پیشینه‌ای در تلویزیون و تئاتر، به فیلم‌سازی گذار کرد و به سرعت با استعداد کارگردانی‌اش تأثیرگذار شد. از معروف‌ترین فیلم‌های وی «لویاتان» به‌عنوان یکی از آثار مهم سینمای روسیه شناخته‌شده و جوایز متعددی را به خود اختصاص داده است که در آن به پیچیدگی‌های وجود انسان و ساختارهای اجتماعی می‌پردازد. موضوعات دینی و رجوع به متن کتاب مقدس نیز در آن به روش‌های مختلف مطرح‌شده است. این مقاله تلاشی است در پاسخ به این سؤال که چه ارجاعات دینی در فیلم لویاتان وجود دارد؟ چگونه این ارجاعات دینی به تصویر کشیده شده و چه معانی‌ای را انتقال می‌دهد؟ این جستار در پی بررسی ارجاعات دینی فیلم لویاتان باهدف درک عمیق‌تر سینمای معاصر روسیه و شیوه کار زویاگینتسف در چگونگی به‌کارگیری تصاویر در انتقال مفاهیم دینی

---

۱. این مقاله برگرفته از: رساله دکتری مهتاب صداقت، با عنوان «نقد اقتدارهابزی ازمنظراگزیستانسیالیستی در سینمای زویاگینتسف»، در دانشکده حقوق، الهیات وعلوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی است.

۲. دانشجوی دکتری رشته فلسفه هنر، دانشکده حقوق، الهیات وعلوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
mahtab.sedaghat@gmail.com.

۳. استادیار گروه فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول.
malek.hosseini@yahoo.com.

۴. استادیار گروه فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
babbaasi@gmail.com

است. بررسی‌ها نشان می‌دهد زویاگینتسف در خلال نمادها، از طریق استفاده از طبیعت با ترکیب‌بندی خاص و حتی دیالوگ‌ها مسائل دینی را بیان نموده و به تلاقی معنویت و ایمان در سایه تجربیات شخصیت‌ها همچنین جایگاه دین در جامعه معاصر پرداخته است. در این جستار روش تحقیق بر مبنای هدف بنیادی نظری؛ بر اساس ماهیت توصیفی؛ به لحاظ نحوه پرداختن به مسئله توصیفی-تحلیلی است که به روش اسنادی متون و محتوای مطالب گرداوری و بررسی‌شده‌اند.

واژگان کلیدی: سینمای روسیه، آندری زویاگینتسف، لویاتان، کتاب مقدس

مقدمه

آندری پتروویچ زویا گینتسف۱(۱۹۶۴ م. - اکنون) فیلم‌نامه‌نویس، بازیگر و کارگردان روسی معاصر است. در سال ۱۹۸۶ م. به مسکو رفت و در کلاس‌های بازیگری با متد استانیسلاوسکی شرکت کرد. سال ۱۹۹۳ م. اوضاع کار مناسب نبود و زویاگینتسف ناچار یك فیلم تبلیغاتی برای فروشگاه مبلمان ساخت؛ به‌این‌ترتیب فیلم‌سازی را یاد گرفت و با فرآیند فیلم‌سازی آشنا شد. در سال ۱۹۹۴ م. به سراغ کارگردانی رفت و چند آگهی تبلیغاتی ساخت. سپس به پیشنهاد یکی از دوستانش کارگردانی سه قسمت از سریال «اتاق سیاه» را انجام داد. (فکری ارشاد ۱۴۰۰، ۸-۱۰) او به ترتیب فیلم‌های بازگشت(۲۰۰۳)؛ تبعید(۲۰۰۷)؛ النا(۲۰۱۰)؛ لویاتان(۲۰۱۴) و بی‌عشق(۲۰۱۷) را کارگردانی کرده است. لویاتان۲ جوایز زیادی را به خود اختصاص داد. ازجمله برنده بهترین فیلم خارجی در مراسم گلدن گلوب، نامزد جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی، برنده جایزه بهترین فیلم‌نامه و نامزد نخل طلا از جشنواره کن۲۰۱۴ شد. (جدول ۱)

جدول ۱: مشخصات فیلم لویاتان، اثر آندری زویا گینتسف (نگارندگان)

نام فیلم	لویاتان nahtaiveL
کارگردان	آندری زویا گینتسف
فیلم نامه	اولگ نگین، آندری زویا گینتسف
بازیگران	آلکسی سرباياکوف، النا لیادووا، ولادیمیر ودوویچنکو، رومان مادیانوف، آنا اوکولوو
فیلمبرداری	میخائیل کریچمان
تدوین	آنا ماس
موسیقی	آندری درگاچوف، فیلیپ گلس

1. Andrey Petrovich Zvyagintsev

2. Левиафан

زمان و تاریخ	۰۴۱ دقیقه، ۴۱۰۲

توصیفات دقیق و خاصی که به‌واسطه اطلاعات بصری به بیننده منتقل می‌شود، نقش کلیدی در انتقال مفاهیم خاص دارد. این توصیف غیرکلامی، اطلاعات و مفاهیمی را به‌واسطه زوایا، نور و سایه و... انتقال می‌دهد که به‌سختی در متن رمان و نثر قابل‌انتقال‌اند. این آثار نه‌تنها روایت، بلکه حالات، خلق‌وخو و تنش‌ها و عملکردها را نیز منتقل می‌کند و بیننده را بدین شیوه به کسب تجربه‌ای درونی رهنمون می‌شود. زویا گینتسف به این نکته توجه داشته و از روش‌های مختلف در رساندن پیام، ازجمله پیام‌های مذهبی، به مخاطب استفاده کرده است. او فیلم‌نامه را با تأثیرپذیری از کتاب مقدس و حکایت زندگی حضرت ایوب نوشت.

شیطان باخدا شرط بست که اموال و اولاد و تندرستی او را بگیرد و بدین‌وسیله از پرستش خداوند بازدارد. این فیلم نیز روایتگر زندگی مرد کارگری است که در خانه‌ای قدیمی در حومه شهر به همراه همسر دوم و فرزند نوجوان خود زندگی می‌کند. او در نزاع حقوقی با شهردار فاسد، خانه‌اش را از دست می‌دهد؛ در جدال بر سر حفظ خانه خود، وکیلی او را همیاری می‌کند. ولی ماجرا به همین‌جا ختم نمی‌شود و بدبیاری‌ها پشت‌هم ادامه دارد. «لویاتان» در یک شهر ساحلی دورافتاده‌ای روایت می‌شود و قهرمان داستان، کولیا، با چالش‌هایی روبرو می‌شود که ایستادگی و ایمانش را آزمایش می‌کند. این فیلم عناصر تراژیک، مبارزه انسانی و جستجوی عدالت را به‌خوبی ترکیب می‌کند و یک تصویر از وضعیت انسانی ارائه می‌دهد. این جستار از نوع بنیادی نظری و در پی بررسی ارجاعات دینی فیلم باهدف درک عمیق‌تر سینمای معاصر روسیه و شیوه کار زویاگینتسف در چگونگی به‌کارگیری تصاویر در انتقال مفاهیم دینی است. در راستای نیل به این هدف فیلم لویاتان به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده است.

پیشینه تحقیق

برخی پژوهشگران به مباحث اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، ساختارهای روایی و تکنیک فیلم‌سازی آثار زویاگینتسف توجه داشته‌اند. هریستوا (۲۰۱۴) در مقاله‌ای[1] به تحلیل فساد در

1.Hristova, M. (2020). Corruption as Shared Culpability : Religion, Family, and Society in Andrey Zvyagint-

جامعـه و ابعـاد مختلـف آن کـه در فیلـم لویاتـان مطرح‌شـده می‌پـردازد. موسـبی (۲۰۱۶)[۱] در پژوهـش خـود نشـان داده اسـت کـه «اقتـدارِ» بـه نمایـش گذاشته‌شـده در لویاتـان، متأثـر از افـکار دوگیـن و آراء توماس هابـز اسـت. بـردول (۲۰۱۴)[۲] نیـز بـه تحلیـل سـبک فیلم‌سـازی زویاگینتسـف پرداختـه و بـه ایـن نتیجـه رسـیده کـه او در آثـارش از برداشـت‌های طولانـی، سـرعت آهسـته و تمرکـز بـر تنـش و ابهـام در بیـان مضامیـن اجتماعـی و سیاسـی و تقویـت روایـت بهـره جسـته اسـت. اسـمیت (۲۰۱۶)[۳] نیـز تحلیلـی از ابعـاد اخلاقـی فیلم‌هـای زویاگینتسـف ارائـه می‌کنـد. انتقادهـای سیاسـی مطـرح در آثـار زویـا گینتسـف و اشـتراك نـام لویاتـان بـا اثـر مهـم در فلسـفه سیاسـی هابـز، سـبب شـده کـه بیشـتر صاحـب نظـران و منتقـدان بـر جنبـه سیاسـی ایـن فیلـم توجـه داشـته باشـند. از آن جملـه جانسـون(۲۰۱۸)[۴] «وضعیـت طبیعـی» در اندیشـه تومـاس هابـز را در لویاتـان موردبررسـی قـرار داده اسـت. ونـگل و دیگـران (۲۰۱۸) نیـز در مقالـه‌ای بـه نقـد اجتماعـی و تحلیـل ایدئولـوژی روسـیه معاصـر در فیلـم پرداخته‌انـد.[۵] در ایـن راسـتا برخـی نویسـندگان در توضیـح فیلـم، بـه اقتبـاس نـام ایـن اثـر از کتـاب مقـدس اشـاره‌کرده‌اند؛ امـا به‌طـور مسـتقل بـه بررسـی ویژگی‌هـای سـینمای زویـا گینتسـف بـا نظـر بـه اشـارات دینـی انجام‌نشـده اسـت.

ارتباط سینما و دین

فیلم‌هـا می‌تواننـد امـروزه در فرهنـگ نقشـه‌ای دینـی ایفـا کننـد، چراکـه حامـل اسـطوره‌ها، آیین‌هـا و نمادهـای یـک جامعه‌انـد و شـبکه‌ای از باورهـای بنیادیـن را در خـود مسـتتر دارنـد. همـه

sev's Leviathan (2014). Journal of Religion & Film, 24(2), 1.

1.Mosbey, J. C. (2016). Putin, Dugin and the Coming Wild Ride on Leviathan.

2.Bordwell, D. (2014). Andrey Zvyagintsev: The Filmmaker's Style. Film Quarterly, 68(2), 10-21.

3.Smith, I. (2016). The Moral Landscape of Andrey Zvyagintsev's Films. Studies in Russian and Soviet Cinema, 10(1), 45-61

4.Johnson, R. (2018). The Role of Nature in Andrey Zvyagintsev's Cinema. Studies in Eastern European Cinema, 9(2), 123-138.

5.Wengle, S., Monet, C., & Olimpieva, E. (2018). Russia's Post-Soviet Ideological Terrain: Zvyagintsev's Leviathan and Debates on Authority, Agency, and Authenticity. Slavic Review, 77(4), 998-1024.

ساخت‌ها، حتی در پیش‌پاافتاده‌ترین داستان‌ها، عقیده اساسی درباره زندگی را به ما عرضه می‌کنند. (جانستن، ۱۳۸۳، ۷۳) در سینما می‌توان اهمیت و معنای مسیح را بدون اشاره مستقیم به داستان زندگی او به شکلی استعاری و تمثیلی نشان داد. (استون، ۱۳۸۳، ۶۰)

رابرت کی جانستن[1] معتقد است که مطالعه الوهیت (یزدان‌شناسی) عملی از روی تقوا و دین‌داری و سویه‌ای از زندگی مؤمنانه است. به‌زعم او یزدان‌شناسی با دانش شخصی درباره خداوند و رستگاری مرتبط است و فیلم‌ها همچون دیگر فرم‌های هنری نه‌فقط دررسیدن به شناختی درباره خدا، بلکه در تجربه عینی خدا نیز به ما کمک می‌کنند و با آن نیروی هنری‌ای که منحصر به رسانه آن‌ها است، به این مهم نائل می‌آیند. (جانستن، ۱۳۸۳، ۶)

برخی بر این عقیده‌اند که یزدان‌شناسی و تصویر متحرک هر دو با امر استعلایی سروکار دارند. فیلم به‌مثابه هنر تصاویر متحرک، در مقایسه باهنرهای دیگر مانند نقاشی و عکاسی توانایی بیشتری برای ایجاد یک محیط دارد؛ چون می‌تواند شمار بیش‌تری از اجزای متشکله یک صحنه را در فرم خود جای دهد. پل شریدر فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان ریشه خویشاوندی بین یزدان‌شناسی و فیلم را در میل به بیان امر متعالی در هنر و سرشت رسانه فیلم عنوان می‌کند. او همچنین معتقد است کارکرد مناسب هنر استعلایی عبارت است از بیان امر مقدس (متعالی). (جانستن، ۱۳۸۳، ۷۶-۷۷)

کلیسای کاتولیک معتقد بوده است که خدا از خلال تجربه‌ها، اشیا و مردمانی که در زندگی خود با آن‌ها رویاروی می‌شویم شناخته می‌شود و فیلم به دلیل قدرت ذاتی‌اش در تأثیر گذاشتن بر تخیل می‌تواند برساختن آیین و خلق تجلی مناسب باشد؛ حتی فیلم‌ساز به‌مثابه هنرمند می‌تواند گاهی حضور خدا را منکشف کند. (جانستن، ۱۳۸۳، ۷۶) روایت در فیلم رسیدن به این هدف را ممکن می‌سازد؛ چراکه حقیقت انجیلی توراتی نیز شکلی روایی دارد. مسیح از حکایت‌های پندآمیز استفاده کرده است. «هسته مسیحیت نه یک فلسفه انتزاعی، بلکه یک داستان است، نه یک گزارش استوار بر امور واقع، بلکه بازگویی یک زندگی است تا مگر زندگی‌های دیگری دگرگون شوند. » (جانستن، ۱۳۸۳، ۱۱۴-۱۱۵)

جانستن معتقد است دسترسی ما به حقایق پنهان کتاب مقدس همواره به میانجی یک

1.Robert K. Johnston

یـا چنـد منبـع دیگـر امکان‌پذیـر اسـت. او الگـوی یزدان‌شناسـی را بـا پنـج مؤلفـه ترسـیم می‌کنـد. کتـاب مقـدس در مرکـز ایـن الگـو قرارگرفتـه اسـت تـا اولویـت جایـگاه آن مـورد تائیـد قـرار گیـرد. از ایـن منظـر، نمودهـای فرهنگـی بخصـوص فیلم‌هـا منابـع مهمـی بـرای تـأملات یـزدان شـناختی هسـتند. (جانسـتن، ۱۳۸۳، ۱۲۴-۱۲۵) بنابرایـن فیلـم به‌مثابـه نمـودی از فرهنـگ بـرای تجربـه و رشـد شـخصی مـا به‌عنـوان منبـع یـزدان شـناختی بـه کار می‌آیـد. (تصویـر ۱)

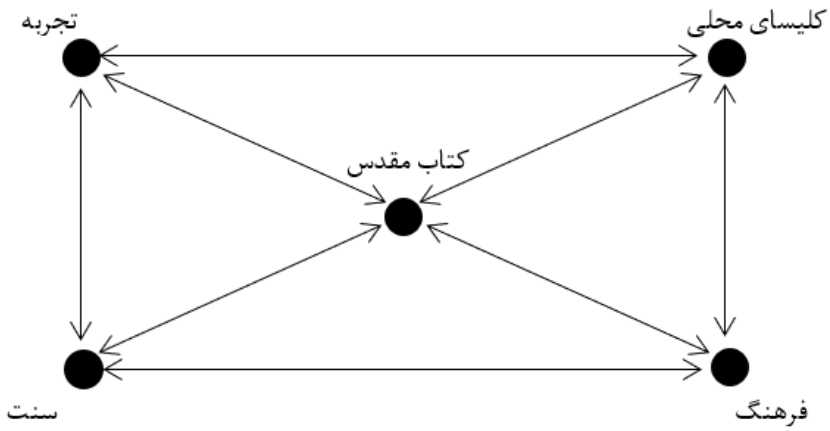

تصویر ۱. الگوی یزدان شناسی پنج لایی، موخذ: (جانستن، ۱۳۸۳، ۱۲۴)

لویاتان در کتاب مقدس

لویاتـان تصویـری متعلـق بـه تـورات اسـت کـه در طـول سـده‌های متمـادی، جامـه‌ای از معانـی کابالیسـتی[1] الهیاتـی و اسـطوره‌ای، آن را در برگرفتـه اسـت. لویاتـان همـواره به‌صـورت تمثال‌هایـی قدرتمنـد از حیـث اسـطوره‌ای، بـه شـکل یـك جانـور آبـی عظیم‌الجثـه، یـك تمسـاح، یـك نهنـگ و در کل یـك ماهـی بـزرگ پدیـدار می‌شـود. نورتـروپ فـرای[2] (۱۹۱۲ م. - ۱۹۹۱ م.) فیلسـوف و اسطوره‌شـناس قـرن بیسـتم بـه بررسـی کتـاب مقـدس پرداختـه و سـعی کـرده نشـان دهـد چگونـه روایـات در کتـاب مقـدس بـا جهـان اسـاطیری مرتبـط می‌شـود. او می‌کوشـد تـا لویاتـان را در یـك

۱. کابالا نامی است که بر تصوف یهودی اطلاق می‌شود.

2. Northrop Frye

شـبکه اسـطوره‌ای بررسـی کنـد. (نامـور مطلـق ۱۳۹۳، ۱۲۶)

لویاتـان در فصـول ۴۰ و ۴۱ کتـاب ایـوب، به‌عنـوان قوی‌تریـن و عظیم‌الجثه‌تریـن هیـولای دریایـی تصویـر می‌شـود. در ترجمـه ولگاتـه[۱] و نیـز لوتـر از کتـاب مقـدس، جایـگاه افعـی دارد کـه خداونـد مطابـق بـا کتـاب اشـعیاء(۱: ۲۷) بـا شمشـیر تیـز و برنـده خـود، زخمـی می‌کنـد و بدیـن ترتیـب اژدهـای درون دریـا را نابـود می‌سـازد. اگرچـه به‌طورمعمـول لویاتـان بـا عنـوان اژدهـا ترجمـه می‌شـود امـا اژدهـا یـا افعـی توأمـان بـه کار مـی‌رود. می‌تـوان چنیـن توضیـح داد کـه لویاتـان به‌مثابـه افعـی یـا اژدهـا، از شـبحی کـه در مقـام یـك نیـروی خطرنـاك ظاهـر می‌شـود بـه هیئـت شـیطانی ناپـاك تغییـر می‌کنـد و ممکـن اسـت بـه نمـاد قـدرت ابلیـس، خـود شـیطان و در اشـکال گوناگونـی کـه ابلیـس می‌توانـد پدیـدار شـود، بـروز نمایـد. در خصـوص لویاتـان، تفاسـیر تاریخـی الهیاتـی زیـادی وجـود دارد. درسـت همان‌طـور کـه می‌توانـد یـك جانـور همه‌چیزخـوار باشـد، حتـی خورنـده خـود دریـا، قـادر اسـت تـا مطابـق بـا تفسـیر سـریانی بیزانسـی از روز قیامـت، مـرده‌ی خـود را در خلال روز جـزا بیـرون بینـدازد. لویاتـان طبـق تعالیـم مندائیـان[۲]، در پایـان کار جهـان، کل دنیـا و همـه کسـانی کـه در جـدا کـردن خـود از ایـن عالـم نـاکام مانده‌انـد را خواهـد بلعیـد. از میـان انبـوه تصاویـر و تصـورات لویاتـان همچنـان ارتباطـش را بـا دریـا حفـظ می‌کنـد و نهایتـاً می‌تـوان دودسـته اصلـی از تفاسـیر کـه در سـده‌های میانـه در خصـوص ایـن اسـطوره ظهـور پیـدا کـرد را مشـخص نمـود: نمادسـازی مسـیحی توسـط آبـای کلیسـا و نمادسـازی یهـودی توسـط خاخام‌هـای فرقـه کابالایـی. تفسـیری کـه از لویاتـان در سـده‌های میانـه مسـیحی وجـود داشـت، تمامـاً تحـت سـیطره الهیـات بـود؛ شـیطان بـه دنبـال مـرگ مسـیح بـر صلیـب، در مبـارزه بـا نـوع انسـان شکسـت خـورد، درحالی‌کـه به‌صـورت خـادم خداونـد در زیـر پیکـری جسـمانی پنهان‌شـده بـود می‌کوشـید تـا خدا-انسـان مصلـوب را ببلعـد، امـا توسـط صلیـب کـه گویـی نقـش قلاب ماهیگیـری را ایفـا می‌کنـد بـه دام می‌افتـد. در اینجـا شـیطان در قامـت لویاتـان تصویـر می‌شـود کـه به‌عنـوان ماهـی عظیم‌الجثـه‌ای توسـط خداونـد فریب‌خـورده و شـکار می‌شـود. در تفاسـیر یهودی-کابالیسـتی، لویاتـان نمـاد قدرت‌هـای دریایـی و بهیمـوث[۳] (بهیمـوت) نمـاد قدرت‌هـای

---

۱. ولگاته(Vulgate) یا ولگاتا ترجمه ای است به لاتین از کتاب مقدس از اواخر سده چهارم. بخش اصلی آن توسط سنت ژروم انجام شده، کسی که دامازوس مأمورش کرد ترجمه لاتین باستان از کتاب مقدس را بازبینی کند. این ترجمه بعدها به عنوان ترجمه رسمی لاتین از کتاب مقدس توسط کلیسای کاتولیک رم انتخاب شد.

۲.پیروان حضرت یحیای تعمید دهنده و یکی از اقلیت‌های مذهبی ایران، عراق و سوریه که با نام صابئین نیز شناخته می‌شود.

3.Behemoth

زمینـی اسـت. از منظـر یهودیـان، هـر یـك از ایـن دو، تصویـری از قـوه حیـات و زندگـی و بـاروری کافـروار هسـتند. بهیمـوث تلاش می‌کنـد تـا بـا شـاخ‌های خـود لویاتـان را پـاره کنـد امـا لویاتـان بـه کمـك باله‌هایـش، جلـوی دهـان و سـوراخ‌های‌بینی بهیمـوث را گرفتـه و خفـه می‌کنـد. (اشـمیت ۱۳۹۵، ۴۹-۶۶) هنگامی‌کـه تفسـیر کتـاب مقـدس نوشـته می‌شـود، لویاتـان، بـا اشـاره بـه ایـوب، در ارتبـاط بـا ظهـور ناجـی مطـرح می‌گـردد کـه درنتیجـه در معادشناسـی یهـودی برجسـته می‌شـود. (نامـور مطلـق ۱۳۹۳، ۱۲۴)

نورتـروپ فـرای قـرار از میـان روایت‌هـای اسـطوره‌ای در ایـن زمینـه، بـه چنـد روایـت تأکیـد بیشـتری می‌کنـد: قصـه مار-شـیطان و آدم؛ رهـب و موسـی؛ شـکم ماهی-نهنـگ و یونـس؛ جامعـه ضالـه و ایـوب؛ اژدهـا و سـن جـورج؛ مسـیح و لویاتـان. (نامـور مطلـق ۱۳۹۳، ۱۳۲-۱۳۳) در ادامـه بـه هـر یـك از ایـن روایت‌هـا و ارتبـاط آن بـا لویاتـان اشـاره خواهـد شـد.

ارتباط لویاتان و بهیموث در Esdras II[1] چنین آمده است:

"خـدا در روز پنجـم آفرینـش دو هیـولای بـزرگ را خلـق کـرد و امـا آن‌هـا را از هـم جـدا نمـود، چراکـه هفتمین‌بخـش از جهـان کـه بـه آب اختصـاص داده‌شـده بـود، نمی‌توانسـت آن‌هـا را در آغـوش هـم نگـه دارد. او بـه بهیمـوث بخشـی را داد کـه در روز سـوم، خشک‌شـده بـود و هـزار کـوه داشـت و آن‌چنان‌کـه متن‌هـای تلمـودی می‌گوینـد آن جانـور را بـه غـذای مکفـی مجهـز نمـود. بـه لویاتـان نیزبخـش هفتـم زمیـن را کـه پـر از آب بـود داد. "

همچنیـن آمـده اسـت: در آن روز دو هیـولا جـدا شـدند: یـك هیـولای مـاده، سـاکن در اعمـاق اقیانوس‌هـا بـه نـام لویاتـان، و یـك هیـولای نـر بـه نـام بهیمـوث کـه سـرزمین نامسـکون را اشـغال کـرده اسـت. (نامـور مطلـق ۱۳۹۳، ۱۲۴-۱۲۵) نورتـروپ فـرای بـا اشـاره بـه لویاتـان و بهیمـوث در کتـاب ایـوب می‌نویسـد:

در کتـاب مقـدس از هیولایـی دریایـی سـخن بـه میـان می‌آیـد کـه [...] دشـمن مسیحاسـت [...] بـا دنیـای سـتیز و فقـر و مـرض، کـه شـیطان ایـوب را و مـار آدم را از بـاغ عـدن بـه آن افکنـد، مرتبـط اسـت. [...] هیـولای دیگـری بـه نـام بهیمـوت کـه خویشـاوند بـری هیـولای بحـری اسـت [...] ایـن

۱. نام یک کتاب آخرالزمانی در برخی از نسخه های انگلیسی کتاب مقدس است. سنت آن را به عزرا، کاتب و کشیش قرن پنجم قبل از میلاد نسبت می دهد، اما برخی پژوهشگران ترکیب آن را بین سال های ۷۰ و ۲۱۸ پس از میلاد قرار می دهند.

دو هیولا نمودگار نظم طبیعت لعنت شده‌ای هستند که شیطان تااندازه‌ای بر آن تسلط دارد. [...] در کتاب مکاشفه، لویاتان و شیطان و مار قدیمی باهم یگانه می‌شوند. این یگانگی سمبولیسم در مسیحی مبنای استعاره اژدها کشی ساخته‌وپرداخته‌ای است که در آن مسیح قهرمان است. (فرای ۱۳۷۷، ۲۲۹-۲۳۰)

داستان حضرت موسی و به‌طورکلی قوم بنی اسراییل و فرعون و مصریان، یکی دیگر از تجلی‌های نبرد خیر و شر تلقی می‌شود. در این داستان که به اشکال مختلف این نبرد بازتولید شده است، لویاتان توسط هیولایی به نام رهب بازنمایی می‌شود. اوج نمود نبرد خیر و شر را می‌توان در مسیح و لویاتان دنبال کرد. لویاتان که بالاترین نیروی شر است، تنها به دست بالاترین نیروی خیر از بین می‌رود. (نامور مطلق ۱۳۹۳، ۱۳۴و۱۳۸) اژدها هم بسان دنیای هبوط‌کرده، با لویاتان و مار عدن و شیطان همتاست. فرای لویاتان را مانند کل دنیای معصیت و مرگ می‌داند که انسان به درون آن هبوط‌کرده که نیازمند نجات است. همانند خروج یونس از دهان اژدها. سمبولیسم عذاب جهنم از همین است. حتی در روایت‌های غیرمذهبی هم مانند پیچ‌پیچ تاریك شکم اژدها به تصویر کشیده شده است. اگر لویاتان مرگ باشد و قهرمان به هر دلیلی مجبور باشد به جسم مرگ وارد شود، ناگزیر باید بمیرد اما اگر سیر و سلوك او کامل شده باشد، مرحله غایی آن به لحاظ دوری، تولد مجدد و به لحاظ دیالکتیکی، رستاخیز است. (فرای ۱۳۷۷، ۲۳۰- ۲۳۵) او ارتباط اژدهای دریا(لویاتان) را با مکاشفه یوحنا چنین توضیح می‌دهد:

> لویاتان معمولاً هیولای دریایی است و معنای مجازی آن این است که لویاتان دریاست و پیشگویی حزقیال نبی مبنی بر اینکه خداوند لویاتان را با قلاب می‌گیرد و از دریا بیرون می‌کشد با پیشگویی یوحنا در مکاشفه یوحنا مبنی بر اینکه دریا دیگر نخواهد بود، همتاست. بنابراین ما که در شکم لویاتان قرار داریم، در معنای مجازی زیرآب هستیم. (فرای ۱۳۷۷، ۲۳۲)

شاخصه «دین» در سینمای زویا گینتسف

زویاگینتسف در خانواده کمونیستی بزرگ‌شده بود که هیچ صحبتی از خداوند و دین نمی‌شد. وقتی از او پرسیده شد که آیا فرد باایمانی است؟ او در پاسخ گفت: از اینکه باایمان

بودن را در خود احساس کند لذت می‌برد. حدوداً سال ۱۹۸۰ م. وقتی شانزده سال داشت، خانمی که همسایه آن‌ها بود به او انجیلی داد. زویا گینتسف تا آن زمان هیچ‌چیز درباره خداوند نمی‌دانست و بقول خودش، اولین کتابی بود که تا آخر مطالعه کرد. خواندن انجیل تحول عظیمی در او ایجاد کرد. جوش‌وخروش حاصل از خواندن آن خواب را از او گرفته بود. به قول خودش، طعم دین را چشیده بود. او خود را فردی گناهکار می‌داند که همیشه در مقابل مسیح شرمنده است. (زویا گینتسف ۱۴۰۰، ۷۰-۷۱) از بین ویژگی‌ها آثار زویا گینتسف، چند شاخصه بیشتر نمایان است؛ استفاده از «طبیعت»، «اسطوره» و «دین». اما خوانشی که او از دین دارد با خوانش افرادی که به‌اصطلاح دین‌دار هستند، متفاوت است. از منظر او دین آن چیزی است که با قلب بتوان آن را احساس و بااحساس نیز آن را پذیرفت. به‌زعم او، دین بزرگ‌ترین رویداد زندگی بشری است، به‌طوری‌که تمام ابعاد زندگی بشری را تحت تأثیر قرار داده است. (زویا گینتسف ۱۴۰۰، ۱۶) او همچنین معتقد است: در عهد جدید عشق بر هر چیزی برتری دارد و از طریق عیسی مسیح به انسان قول داده می‌شود که فیض الهی از جانب آفریننده هستی به او رسد. (زویا گینتسف ۱۴۰۰، ۳۳)

زویا گینتسف هنر را فرای منطق می‌داند که می‌تواند تصاویری را برای دیگران بسازد که به شیوه‌ای دیگر امکان بیان آن نیست. او به‌خوبی با بیننده ارتباط برقرار کرده و احساسات مخاطب را درگیر می‌کند. از این طریق تأمل و اندیشه را در درون بیدار می‌سازد. (زویا گینتسف ۱۴۰۰، ۳۴)

نحوه استفاده خاص او از طبیعت حس ابدیت را تقویت می‌کند. حالاتی مرتبط با وسعت، بی‌انتهایی و تعالی، ترکیب افقی تصاویر در نمای دور، پیش آمدن امواج و فواره زدن حجم بسیاری از آب، قرار گرفتن اندام کوچك انسان از پشت که به طبیعت خیره می‌شود، همگی ازاین‌دست هستند. واسیلیوا کارکرد چشم‌اندازها را ایجاد وقفه در جریان روایت، فراهم آوردن فضای مکاشفه درونی شخصیت‌ها و همچنین ایجاد فاصله زمانی مناسب برای واکنش نشان دادن مخاطب و تشویق آن‌ها به تصدیق وجود قدرتمند چیزی غیر از انسان در جهان فیلم می‌داند. (فکری ارشاد ۱۴۰۰، ۱۶۰-۱۶۱)

ارجاعات دینی در فیلم «لویاتان»

زویا گینتسف در آثارش از نمادهای مذهبی بهره می‌گیرد و بامهارت و ظرافت در قاب بصری مناسبی قرار می‌دهد. او از فرم مثلثی و سه‌گانه‌ها برای نشان دادن «تثلیث» استفاده کرده است. (تصویر۲) یکی از این سه‌گانه‌ها در سر مسیح با نوشته‌ی Ecce Homoبر روی آن، نمود پیداکرده است. (تصویر۳)

تصویر ۲. سه گانه ها به نشانه تثلیث، صحنه ای از فیلم لویاتان (منبع: نگارنده)

زویا گینتسف در خصوص جایگاه تثلیث می‌گوید: تثلیث یك فرم کلاسیك است. تصاویر سه لَت هم ساختار کلاسیك هنری را بیان می‌کنند. در روسیه اینکه از سه نشانه در اتومبیلت به‌عنوان دفع بلا استفاده کنی امر رایجی است. این یك خرافه مرسوم روسی است. [...] حتی بی‌ایمانان هم به تثلیث اعتقاددارند. (فکری ارشاد ۱۴۰۰، ۷۲)

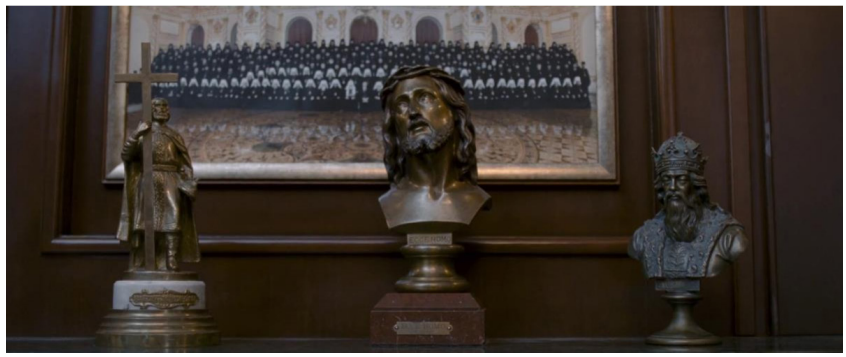

تصویر ۳. سه گانه ها به نشانه تثلیث، نوشته Ecco Homo بر روی تندیس سرِ مسیح، صحنه ای از فیلم لویاتان (منبع: نگارنده)

ترکیب افقی تصاویر در نمای دور حس ابدیت را می‌دهد. پیش آمدن امواج و برخورد با صخره، قرار گرفتن پیکر کوچك انسان‌ها در مقابل وسعت و بی‌کرانگی طبیعت این حس را تقویت می‌کند و یادآور نقاشی‌های کاسپر دیوید فردریش[1] (۱۷۷۴ م. - ۱۸۴۰ م.) است. (تصویر ۴)

تصویر ۴. تصویر بالا: صحنه ای از فیلم لویاتان.
تصویر پایین: نقاشی راهب در کنار دریا اثر کاسپر دیوید فردریش (منبع: نگارنده)

در این نقاشی وسعت دریا و آسمان در مقابل پیکر راهب جلوه می‌کند و عظمت طبیعت و محضر خداوند غالب است. ترکیب‌بندی و نحوه ارائه عناصر تصویر، انسان را جزئی از کل نشان می‌دهد که مغلوب قدرتی عظیم قرار می‌گیرد و گویی نقش اساسی در چرخه هستی ایفا نمی‌کند. علاقه اصلی فردریش تأمل در طبیعت بود و در آثار عمدتاً ضد کلاسیک و نمادین

1.Caspar David Friedrich

خود می‌کوشید پاسخی سوبژکتیو و عاطفی به جهان طبیعی بدهد. در اوایل قرن بیستم دوباره آثارش موردتوجه قرار گرفت. تداعی نقاشی‌های فردریش درصحنه‌های مختلفی دیده می‌شود.

تصویر ۵. تصویر بالا: صحنه ای از فیلم لویاتان. (منبع: نگارنده)
تصویر پایین: نقاشی زنی در کنار پنجره اثر کاسپر دیوید فردریش

به‌طور مثال صحنه‌ای که لیلیا رو به پنجره ایستاده است. اما تفاوت عمده‌ای در نحوه نمایش هست؛ لیلیا در مقابل پنجره بسته در فضای خانه‌ای مخروبه با تم سرد و خاکستری فضا در برابر خرابی ساختمان روبرو بدون حرکت ایستاده است. اما در نقاشی فردریش پنجره گشوده است و رنگ‌های گرم‌تر و نور فضا امید را بیشتر تداعی می‌کند تا یاس و تنهایی که لیلیا با آن مواجه است. (تصویر۵)

توصیف گاردین نیز دراین‌باره چنین است:

فیلـم بـا نماهایـی فوق‌العـاده از دریـا و صخره‌هـا آغـاز می‌شـود. درنهایـت هـم فیلـم بـا نماهایـی مشـابه از دریـا و صخـره بـه پایـان می‌رسـد. مـن این‌گونـه برداشـت کـردم کـه ایـن نماهـا ازنقطه‌نظـر خداونـد بـه نمایـش درمی‌آینـد. انـگار خـدا پـا بـر زمیـن گذاشـته، تباهی‌هـا را دیـده، آدم‌هایـی را کـه خواسـته‌اند خـود را جـای او بگذارنـد مشـاهده کـرده، فسـاد را لمـس کـرده و تغییـر ارزش‌هـا را درک نمـوده اسـت و در پایـان دوبـاره بـه آسـمان بازمی‌گـردد. (فکـری ارشـاد ۱۴۰۰، ۷۰-۷۱)

درصحنـه‌ای از فیلـم لویاتـان شـهردار و کشـیش در حـال گفتگـو نشـان داده می‌شـود. شـاید در نـگاه اول نشسـتن هـر یـك بـر روی صندلـی دقیقاً بـه یـك فـرم و شـکل و زاویـه عـادی بـه نظـر برسـد امـا بـا توجـه بـه انتخاب‌هـای خـاص زویـا گینتسـف در القـای مفاهیـم از ایـن طریـق، می‌تـوان گفـت شـهردار و کشـیش هـر یـك به‌عنـوان نماینـده‌ای از دو قـدرت و نهـاد هسـتند. در پس‌زمینـه روی دیـوار نقاشـی شـام آخـر دیـده می‌شـود. نحـوه نشسـتن کشـیش و شـهردار هماننـد افـراد گـرد میـز شـام آخـر اسـت. (تصویـر ۶) آنچـه در نقاشـی حضـور دارد ولـی در تصویـر فیلـم بازنمایـی نشـده اسـت، مسـیح اسـت. در فیلـم جـای مسـیح نجات‌دهنـده خالـی اسـت. او کـه عظیم‌تریـن نیـروی خیـر اسـت و در نبـرد و مقابلـه بـا عظیم‌تریـن نیـروی شـر(لویاتان) پیـروز می‌شـود.

تصویر۶. شهردار و کشیش در صحنه ای از فیلم لویاتان (منبع: نگارنده)

در اکثـر صحنه‌هـای فیلـم نـور کـم و رنگ‌هـای تیـره و سـرد حاکـم اسـت. در بخشـی از فیلـم صحنه‌هایـی از یـك خرابـه بـه نمایـش درآمـده کـه از دیالوگ‌هـا مشـخص اسـت کـه متعلـق بـه یـك کلیسـای قدیمـی اسـت. اکنـون از کلیسـا به‌عنـوان نمـادی از ایمـان و نیـروی معنـوی و الهـی جـز

خرابه‌ای بر جای نمانده است. اما حضور مکرر جوانان در آن شاید نشان از پناه بردن آنان به دین و مذهب و خداوند باشد؛ حتی اگر اوضاع بسامانی نداشته باشد. زویا گینتسف در بیان مسائل مذهبی ما را با پارادوکس‌هایی مواجه می‌کند. از طرفی امید به حضور خداوند و نجات انسان‌ها از این وضعیت به‌واسطه منجی؛ از طرفی فقدان حضور الهی به این معنا که معجزه‌ای رخ نخواهد داد و منجی‌ای نخواهد آمد. شما خود باید دست به عملی بزنید و تغییراتی ایجاد کنید.

تصویر ۷. خرابه های کلیسای قدیمی، صحنه هایی از فیلم لویاتان (منبع: نگارنده)

درصحنه‌ای که تکه‌های خردشده و شکسته کشتی‌ها دیده می‌شود. (تصویر۸) لویاتان غول و اژدهای دریایی همه کشتی‌ها را شکسته و همه‌چیز را از بین برده است. پسر کولیا در مقابل، یک‌تکه سنگ به دریا می‌اندازد که یادآور بخشی از متن کتاب مقدس در وصف لویاتان است که هیچ‌کس را یارای مقابله با او نیست. مقابله نیروی انسان در مقابل لویاتان به

قـدر سـنگ انداختـن یـك نوجـوان در مقابـل چنیـن قدرتـی اسـت.

تصویر ۸. تکه های خرد شده و شکسته کشتی ها توسط لویاتان، صحنه ای از فیلم لویاتان (منبع: نگارنده)

نمـاد سـنت جـان باپتیسـت را می‌تـوان در مـدت کوتاهـی در داخـل دیوارهـای یـک کلیسـای ویـران مشـاهده کـرد، جایـی کـه پسـر کولیـا در شـب بـا دوسـتانش در اطـراف آتـش ملاقـات می‌کنـد. موعظـه جـان علیـه هیرودیـس آنتیپـاس پادشـاه سـبب شـد تـا دسـتور گـردن زدن او را صـادر شـود.

تصویر ۹. نقاشی دیواری در کلیسای متروکه که سر بریدن جان باپتیست را نشان می دهد، صحنه ای از فیلم لویاتان (منبع: نگارنده)

جـان در فیلـم نمـادی از سرنوشـت غم‌انگیـز مـردم صـادق بی‌گنـاه اسـت کـه مخالـف قـدرت هسـتند: کولیـا «بـا اشـتیاق بـه آسـمان تاریـک آن‌سـوی سـقف ویـران کلیسـا نـگاه می‌کنـد، امـا پاسـخی نمی‌یابـد. در آسـتانه فراموشـی، چشـمانش بـه نقاشـی دیـواری روبـه‌زوال از سـربریدن یحیـی تعمیددهنـده می‌افتـد، یـادآور ایـن نکتـه اسـت کـه حتـی وفادارتریـن بنـدگان خـدا نیـز در برابـر هوس‌هـای ویرانگـر حاکمـان جهـان آسـیب‌پذیر هسـتند.» (Lis, ۲۰۱۸,۹۰)

کولیـا پـس‌از آنکـه همسـرش لیلیـا خودکشـی می‌کنـد بـرای فـرار از رنـج و غـم حاصـل از آن بـه کلیسـای مخروبـه قدیمـی مـی‌رود و نوشـیدنی می‌نوشـد. بـه آسـمان نـگاه می‌کنـد گویـی منتظـر منجـی‌ای اسـت کـه او را از ایـن وضعیـت نجـات دهـد. صحنـه‌ای کـه او می‌بینـد دایـره‌ای رو بـه آسـمان اسـت و ریسـمانی کـه آویـزان شـده اسـت. (تصویـر۱۰)

تصویر ۱۰. نگاه به آسمان و تصویری که پس از آن دیده می شود. صحنه های از فیلم لویاتان (منبع: نگارنده)

اواخر فیلم بر جای خانه‌ی تخریب‌شده‌ی کولیا، کلیسای مجلل جدیدی ساخته می‌شود و کشیش در حال موعظه کردن است، پسربچه- که به نظر می‌رسد فرزند شهردار است- به بالا نگاه می‌کند و تصویری که پس‌ازآن نشان می‌دهد همان دایره با ریسمان است، مشابه آنچه کولیا دید. (تصویر ۱۱)

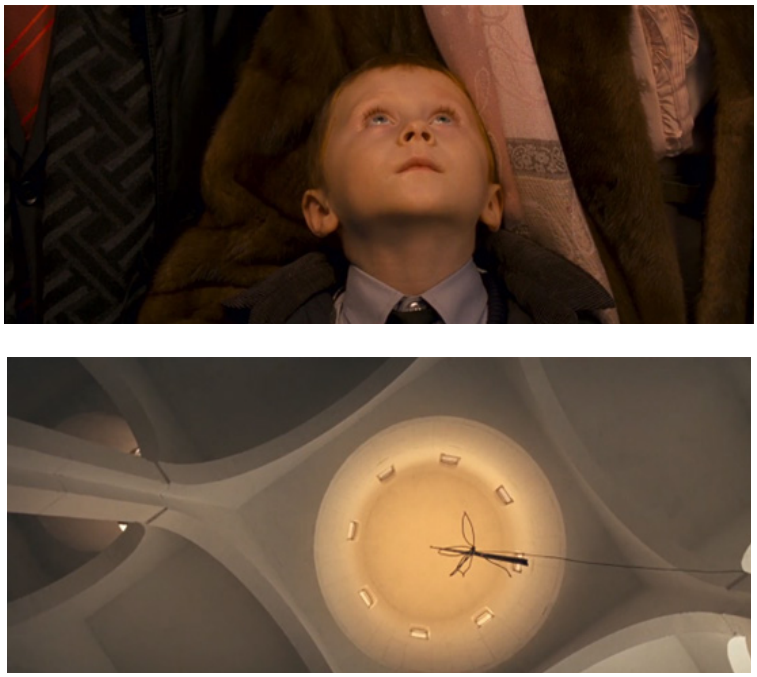

تصویر ۱۱. نگاه به آسمان و تصویری که پس از آن دیده می شود. صحنه های از فیلم لویاتان (منبع: نگارنده)

در حین نمایش این صحنه، کشیش در حال گفتن این جملات است: «... وقتی آپوستل پاول می‌فرماید: من دیگر زنده نیستم ولی مسیح در کالبد من زنده است. این سخنان بدان معنا است که انسان اجازه می‌دهد که مسیح در وجود او حلول کند. به‌بیان‌دیگر همچون مسیح می‌اندیشد، همچون مسیح می‌بیند و همچون مسیح که به‌فرمان الهی است عمل می‌نماید و فقط در این هنگام است که این انسان مالك حقیقت است و قادر به تشخیص نیکی از بدی و آن چیزی است که به آن ذات حقیقت می‌گوییم... » گویی زویا گینتسف می‌خواهد بگوید که دیگر منجی‌ای نخواهد آمد، مسیحی که منتظرش هستیم نخواهد بود و آن منجی که می‌تواند برای نجات ما کاری کند خود ما هستیم. کولیا به آسمان نگاه می‌کند اما واقعاً چه کسی در مقابل این قدرت(لویاتان) می‌تواند قرار بگیرد و پیروز شود؟ نگاه پسربچه به‌نوعی امید به نسل آینده روسیه را نشان می‌دهد.

در حین صحبت‌های کشیش، شهردار در گوش پسربچه می‌گوید: «خداوند همه‌چیز را می‌بیند پسرم. » این دیالوگ کمی بعد از تصویری است که پسربچه به سقف نگاه می‌کند. ترکیب‌بندی آن و جمله‌ای که شهردار گفت یکی از نقاشی‌های «هیرونیموس بوش» نقاش هلندی را تداعی می‌کند به نام «هفت گناه کبیره و چهار امر واپسین» چهار دایره اطراف دایره مرکزی، مرگ گناهکاران، قضاوت واپسین، دوزخ و بهشت را نمایش می‌دهد. در دایره مرکزی هفت تصویر از هفت گناه کبیره خشم، حسادت، آز، پرخوری، تنبلی، شهوت، غرور آورده شده است. در مرکز چشمی به نام چشم خدا مصور شده است و در مرکز آن مسیح قرار دارد. زیر تصویر به لاتین نوشته‌شده است که «به هوش باشید، به هوش باشید، خدا می‌بیند. (تصویر ۱۲) جمله‌ای با همین مضمون نیز کشیش در صحبت‌های آخر خود می‌گوید: «خداوند از آسمان بر مردم می‌نگرد تا ببیند که شخص فهمیده‌ای وجود دارد که طالب خدا باشد اما همه گمراه و یکسان فاسد شده‌اند. » این فساد دقیقاً همان وضعیتی را شرح می‌دهد که در لویاتان به نمایش گذاشته‌شده است. هر یك از افراد و در پی آن کل جامعه فاسد شده‌اند. هر یك به گناهی یا گناهانی آلوده‌اند.

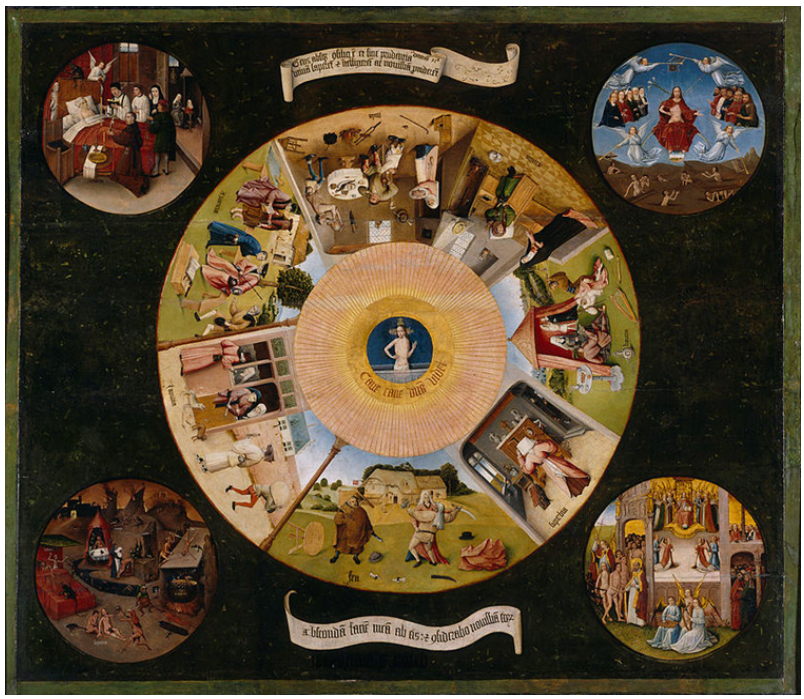

تصویر ۱۲. هفت گناه کبیره و چهار امر واپسین، اثر هیرونیموس بوش

پس‌ازاینکه کولیا همه‌چیز خود را از دست می‌دهد دیالوگی با کشیش دارد. کولیا از کشیش (پدر واسیلی) می‌پرسد: «خدا کجاست؟ » او پاسخ می‌دهد: «خدای من همراهم است ولی مال تو را نمی‌دونم. به درگاه کی دعا می‌کنی؟ ندیدمت کلیسا بیایی. روزه نمی‌گیری، عشاء ربانی نمی‌آیی، اعتراف نمی‌کنی».

کولیا: اگر شمع روشن می‌کردم اوضاع از این‌که هست فرق می‌کرد؟ ... تو نمیدونی؟ پس تو چی میدونی؟ پس چرا به من میگی اعتراف کن؟

کشیش: می‌توانی یك نهنگ غول‌پیکر را با قلاب ماهی شکار کنی؟ یا اینکه زبانش را با طناب ببندی؟ به تو التماس می‌کنه که ببخشی‌اش؟ یا اینکه با احترام با تو حرف میزنه؟

کشیش در ادامه داستان حضرت ایوب را مثال می‌زند: «او هم مثل تو سردرگم معنا و مفهوم زندگی بود. او هم می‌گفت از بین این‌همه آدم چرا من؟ همه بهش می‌گفتند کاری نکن که خدا بهت غضب کنه اما او مدام شکوه می‌کرد و خاکستر به سرش می‌پاشید. بعد

خداونـد بـه رحـم آمـد و ماننـد گردبـاد مقابلـش ظاهـر شـد. و همه‌چیـز را بـا تصویـر برایـش توضیـح داد. او خـودش را بـه دسـت تقدیـر سـپرد و تـا ۱۴۰ سـالگی عمـر کـرد. در سـن پیـری راضـی و خشـنود از دنیـا رفـت».

کولیـا بـه دنبـال ناجـی و راه‌حلـی اسـت. پـس خـدا کجاسـت؟ بایـد در ایـن شـرایط چـه کـرد؟ کشـیش بـا اشـاره بـه داسـتان ایـوب سـعی دارد راه‌حلـی مذهبـی نشـان دهـد و آن تسـلیم در برابـر تقدیـر اسـت چراکـه همـه این‌هـا از منظـر دیـن حکمتـی دارد. امـا زویاگینتسـف گویـی بـه نحـوی بـه ایـن نـگاه دینـی نیـز انتقـاد می‌کنـد. بـا پاسـخی کـه کولیـا بـه کشـیش می‌دهـد. او می‌گویـد اگـر شـمع روشـن می‌کـرد و کلیسـا می‌آمـد آیـا ایـن اتفاقـات نمی‌افتـاد. آیـا واقعـاً شـرایط کولیـا قابـل قیـاس بـا ایـوب اسـت؟ ایـوب رنج‌هایـش امتحـان الهـی بـود و در آخـر خدایـی بـود کـه بعـد از سـربلندی او از امتحانـات، او را نجـات دهـد امـا کولیـا چـی؟ اگـر از همـان ابتـدا تسـلیم می‌شـد و مقاومتـی نمی‌کـرد بـاز خانـه‌اش را از دسـت نمـی‌داد؟ آیـا همسـر و دوسـتش بـه او خیانـت نمی‌کردنـد؟

همان‌طـور کـه از دیالوگ‌هـا مشـخص اسـت، کشـیش پاسـخ قطعـی بـه اینکـه اگـر کولیـا بـه کلیسـا می‌آمـد آیـا شـرایطش فـرق می‌کـرد یـا نـه، نمی‌دهـد ولـی راه‌حلـی بـا مثـال از زندگـی ایـوب ارائـه می‌کنـد کـه اگـر کولیـا خـود را تسـلیم تقدیـر الهـی کنـد همه‌چیـز رضایت‌بخـش خواهـد بـود. کولیـا در مقابـل قـدرت حاکـم عـملاً جـز تـن دادن بـه تقدیـر، راه دیگـری پیـش رو نداشـت امـا بازهـم نتیجـه آن نشـد کـه کشـیش بـه او وعـده داده بـود.

کشـیش همراهـی خـدا را منـوط بـه شـرکت در عشـاء ربانـی و روزه گرفتـن و اعتـراف کـردن و... بیـان مـی‌دارد؛ کاری کـه شـهردار فاسـد انجـام مـی‌داد امـا رفتارهـای او زندگـی یـك مسـیحی باایمـان را نشـان نمـی‌داد. اساسـاً درد و مصیبـت در زندگـی کولیـا ناشـی از قـدرت و فسـاد حکومتـی بـود کـه شـهردار دیـن‌دار نمـا جزئـی از آن بـود. در اینجـا زویاگینتسـف بیـن دیـن‌داران واقعـی و تظاهرکننـدگان بـه آن، تفـاوت قائـل می‌شـود. ایـن نـگاه را بـا دو کشـیش مختلـف در فیلـم بـه نمایـش می‌گـذارد. یکـی کشیشـی کـه بـا شـهردار بـه گفتگـو پرداختـه؛ بالبـاس فاخـر و خـاص و در فضـای کلیسـایی پـر از تجـملات و رنـگ طلایـی نشـان داده می‌شـود. کشـیش دیگـر کـه داسـتان حضـرت ایـوب را بیـان می‌کنـد بالباسـی سـاده در حـال کمـک بـه مـردم شـهر و در میـان آن‌هـا تصویـر شـده اسـت.

نتیجه‌گیری

اگرچه زویا گینتسف به مسائل دینی توجه دارد اما نگاه او نسبت به دین متفاوت است. او از مفاهیم مطرح در کتاب مقدس درباره لویاتان بهره برده است. در طی فیلم امید به حضور ناجی و عدم حضور آن را تواما می‌توان مشاهده کرد. اما تلاش انسان در راستای معنا بخشی به زندگی‌اش در جریان است. او اگرچه نقش محوری دین را در زندگی نادیده نمی‌گیرد اما به برخی دین‌دارها طعنه می‌زند و مدعیان را از دین‌داران واقعی جدا می‌کند. در لابه‌لای طرح مصائب بشری و مشکلات اجتماعی سیاسی، به انسان و شأن او می‌پردازد. نزول و بعضاً سقوط انسانیت را به نمایش می‌گذارد و نقش معنویت را در این میان روشن می‌سازد. این امر هم به‌واسطه تصاویر و تداعی آثار نقاشی و هم دیالوگ‌ها نمود می‌یابد. در این میان کتاب مقدس فقط نمونه‌ای از ادبیات کهن نیست، بلکه همچنان در تجربه مردم (کولیا به‌عنوان ایوب) حضور دارد و بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این تأثیر تنها به‌واسطه انجام مراسم صورت نمی‌گیرد بلکه ایمان به آن شرط است. چنین روشی در اقتباس از کتاب مقدس بسیار عمیق‌تر از فیلم‌هایی است که آشکارا به آن می‌پردازند.

کتاب نامه

- کتاب مقدس

۱. استون، برایا پ. مفاهیم مذهبی و کلامی در سینما. ترجمه امید نیک فرجام. تهران: بنیاد سینمایی فارابی، ۱۳۸۳.

۲. اشمیت، کارل. لویاتان در نظریه دولت تامس هابز: معنا و شکست یک نماد سیاسی. ترجمه شروین مقیمی زنجانی. تهران: پگاه روزگار نو، ۱۳۹۵.

۳. جانستن، رابرت کی. معنویت در فیلم. ترجمه فتاح محمدی. تهران: بنیاد سینمایی فارابی، ۱۳۸۳.

۴. زویا گینتسف، آندری. گفتگو با آندری زویا گینتسف. ترجمه رضوانه حسینی. تهران: آبان، ۱۴۰۰.

۵. فرای، نورتروپ. تحلیل نقد. ترجمه صالح حسینی. تهران: نیلوفر، ۱۳۷۷.

۶. فکری ارشاد، مازیار. سینماگران قرن بیست و یک / ۲: آندری زویا گینتسف. تهران: چتر فیروزه، ۱۴۰۰.

۷. نامور مطلق، بهمن. اسطوره و اسطوره‌شناسی نزد نورتروپ فرای. تبریز: موغام، ۱۳۹۳.

8. Bordwell, D. Andrey Zvyagintsev : The Filmmaker's Style. *Film Quarterly*, 68(2), 10-21, 2014.

9. Hristova, M. Corruption as Shared Culpability : Religion, Family, and Society in Andrey Zvyagintsev's Leviathan (2014). *Journal of Religion & Film*, 24(2), 1, 2020.

10. Johnson, R. The Role of Nature in Andrey Zvyagintsev's Cinema. *Studies in Eastern European Cinema,* 9(2), 123-138, 2018.

11. Lis, M. The Bible in the films of Pavel Lungin and Andrei Zvyagintsev. *Studia Religiologica-Zeszyty Naukowe Uniwersytetu Jagiellonskiego*, 51(2), 2018.

12. Mosbey, J. C. Putin, *Dugin and the coming wild ride on Leviathan*, 2016.

13. Smith, I. The Moral Landscape of Andrey Zvyagintsev's Films. *Studies in Russian and Soviet Cinema*, 10(1), 45-61, 2016.

14. Wengle, S., Monet, C., & Olimpieva, E. *Russia's Post-Soviet Ideological Terrain: Zvyagintsev's Leviathan and Debates on Authority, Agency, and Authenticity*. Slavic Review, 77(4), 998-1024, 2018.

15. Wilmes, J. *The Filmmaker's Philosopher: Merab Mamardashvili and Russian Cinema*. By Alyssa DeBlasio. Edinburgh : Edinburgh University Press, 2020.